

روایت‌های زیست‌محیطی: فلسفه‌ی برابری‌طلبانه و اکوسوفی در نفی انسان‌محوری

در اورلاندوی ویرجینیا وولف

زیبا روشن‌ضمیر^۱، لایلا برادران جمیلی^۲، بهمن زرین‌جویی^۳

CLLS-2402-1235

چکیده

بی‌تردید انسان همواره سعی در تثبیت جایگاه خود روی کره زمین داشته است. بسیاری از نویسندگان با آثار خود سعی در طرح این مسئله قابل‌مناقشه داشته‌اند. از جمله ویرجینیا وولف (۱۹۴۲-۱۸۸۲) نویسنده نوگرایی بریتانیایی که با آثارش به جلب توجه خوانندگان خویش به محیط زیست و طبیعت و ارتقای خرد بوم‌شناسی آن‌ها می‌پردازد. در رمان *اورلاندو*: یک سرگذشت^۴ (۱۹۲۸)، وولف با توسل به روایت‌های زیست‌محیطی^۵ با طرح فلسفه‌ی برابری‌طلبانه^۶، مسئله‌ی پرچالش انسان‌محوری^۷ را محکوم می‌کند. این تحقیق برآن است با بررسی رمان *اورلاندو* وولف، به تحلیل فلسفه‌ی برابری‌طلبی و محکومیت انسان‌محوری بپردازد. مقاله حاضر، جایگاه انسان را روی کره زمین زیر سوال می‌برد و اثبات می‌کند که انسان‌ها باید سعی در ارتقای خرد و آگاهی بوم‌شناسی خود کنند، که همان اکوسوفی^۸ مطرح‌شده توسط آرنه نایس^۹ (۱۹۱۲ - ۲۰۰۹) فیلسوف و منتقد بوم‌گرایی نروژی است. فلسفه‌ی اکوسوفی جزء تئوری نقد بوم‌گرا^{۱۰} محسوب می‌شود و

دوره بیست و یکم - شماره ۳۲ بهار و تابستان ۱۴۰۳

۱. دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات انگلیسی، واحد بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجرد، ایران، پست

الکترونیک: zibaroshanzamir@gmail.com

<https://orcid.org/0009-0006-9007-4215>

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، واحد بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجرد، ایران. (نویسنده مسئول)،

پست الکترونیک: le.baradaran@iau.ac.ir

<https://orcid.org/0000-0003-3402-9189>

۳. استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، واحد بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجرد، ایران، پست الکترونیک:

bzarrinjooee@yahoo.com

<https://orcid.org/0000-0003-1047-3242>

4. *Orlando: A Biography*

5. Environmental Narrative

6. Egalitarianism

7. Anthropocentrism

8. *Ecosophy*

9. Arne Naess

10. Ecocriticism



در نتیجه آن انسان پی می‌برد که تمامی موجودات کره خاکی اعم از کوچک‌ترین آن‌ها که با چشم مسلح قابل‌رویت است تا بزرگ‌ترین موجودات، برای دسترسی به امکانات لازم برای ادامه حیات، از حقوقی برابر برخوردارند. بنابراین، شخصیت اصلی داستان، اورلاندو به نگویش اجداد خویش در پرسشگری درباره فلسفه‌ی برابری‌طلبی می‌پردازد. در واقع، وولف در پی اثبات این امر است که چگونه از طریق قدرت روایت زیست‌محیطی، حقیقت را که گاهی کتمان شده یا رنگ باخته، احیا کند.

واژگان کلیدی: انسان‌محوری، نقد بوم‌گرا، اکوسوفی، محیط زیست، روایت زیست‌محیطی، فلسفه‌ی برابری‌طلبی، طبیعت

مقدمه

ویرجینیا وولف^۱ (آدلین ویرجینیا استفن^۲) ۲۵ ژانویه سال ۱۸۸۲ در هاید پارک گیت^۳ در کنزینگتون^۴ لندن به دنیا آمد. وی سومین فرزند یک زوج اشرافی و روشنفکر انگلیسی بود. آگاهی زیست‌محیطی وولف در وهله اول توسط پدرش، لسلی استفن^۵ (۱۸۳۲-۱۹۰۴) برانگیخته شد، زیرا لسللی عادت داشت گل‌های مختلفی برای نگهداری، جمع‌آوری کند و این عمل برای همه فرزندان، به‌ویژه وولف، برای آشنایی با گیاهان مختلف چه آن‌هایی که در باغچه منزلش و چه خارج از منزل رشد می‌کردند، آموزنده بود. در واقع، پدرش علاقه‌ی وولف به گیاه‌شناسی را برانگیخت و در نتیجه، وی کنجکاو شد اطلاعاتی درباره گونه‌های مختلف گیاهی بیاموزد. علاوه‌براین، وولف به‌همراه خواهران و برادرانش با جانورشناسی و حشره‌شناسی به علت جمع‌آوری گونه‌های مختلف حشرات مانند: بید پروانه و شته، آشنا شد. سپس آن‌ها با جمع‌آوری گونه‌های مختلف حشرات، مجموعه‌ای خانوادگی تشکیل دادند. «چگونه موزه [خانواده] پیش می‌رود؟ پدر می‌گوید که آن‌ها میمونی را کشف کرده‌اند که از هر چیز دیگری که تا به حال کشف شده، به انسان نزدیک‌تر است.»^(۱ Letters جلد اول ۲). بنابراین، طبیعت و موجودات زنده برایش همواره جالب بودند.

1. Virginia Woolf
2. Adeline Virginia Stephen
3. Hyde Park Gate
4. Kensington
5. Leslie Stephen
6. *The Letters of Virginia Woolf*

تحقیق حاضر به استناد منابع کتابخانه‌ای و روش تحلیلی توصیفی به بررسی رمان *اورلاندو* (۱۹۲۸) از دیدگاه نقد بوم‌گرا می‌پردازد. وولف معتقد است که متن ادبی مانند رمان، شعر یا داستان کوتاه به اندازه کافی واقعیت و حقیقت را بیان می‌کند و انسان‌ها دنیای داستان را با روایت زیست‌محیطی، بهتر درک می‌کنند. برخی معتقدند که انسان‌ها مستحق توجه جدی‌تری هستند و سایر موجودات باید از هنجارهای برابری‌طلبانه در یک جامعه کنار گذاشته شوند. برعکس، وولف ایمان دارد که برابری از هر نوع باید به‌درستی و مثبت ارزیابی شود.

مقاله حاضر تلاش وولف برای آگاهی بوم‌شناسی خوانندگان خود را احیا می‌کند، آن را ارتقا می‌بخشد و آن‌ها را وادار به کشف حقیقتی می‌کند که درباره محیط زیست و طبیعت، مسکوت مانده است. در این راه، وی متوسل به روایت زیست‌محیطی می‌شود تا به انسان امروزی بقبولاند که جایگاه تمامی موجودات زنده اعم از انسان و غیرانسان، روی کره زمین یکسان است. پرسش اصلی تحقیق این است که چگونه انسان‌محوری که ریشه تمام نابرابری‌ها در کره هستی است، با فلسفه برابری‌طلبی و اکوسوفی در تضاد می‌باشد. هرچند که ابتدا فلسفه برابری‌طلبی و اکوسوفی در رمان، مورد تحلیل قرار گرفته؛ سپس بحث انسان‌محوری مطرح شده و خط بطلان بر فلسفه برابری‌طلبی می‌کشد. در نتیجه، نگارندگان تحقیق حاضر برای اثبات ادعای خویش از نظرات آرنه نایس، منتقد بوم‌گرا استفاده کرده‌اند.

پیشینه پژوهش

کریستینا آلت^۱ در کتاب خود، *ویرجینیا وولف و مطالعه طبیعت* (۲۰۱۰)، نشان می‌دهد که چگونه وولف به‌عنوان نویسنده اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، خود را وقف مطالعه علوم طبیعی می‌کند تا از موضوعات مختلف از قبیل بوم‌شناسی آگاه باشد. نویسنده این کتاب، به اشتیاق زیاد وولف برای خواندن و شناخت بهتر جهان طبیعی در اوایل قرن بیستم اشاره می‌کند، «مطالعه روابط متقابل بین موجودات و بین موجودات و محیط آن‌ها، به‌عنوان یک رشته علمی ظاهر شد.» (آلت ۱۶). به‌گفته آلت، مطالعه بوم‌شناسی منجر به ظهور رشته‌ای علمی شد. توصیفات وولف درباره طبیعت در آثارش، مبنای مطالعه برخی از محققان بوده تا درک وولف از طبیعت، جهان طبیعی و در مجموع، اکوسیستم‌ها را نشان دهد.

1. Christina Alt

جاستینا کوستکوسکا^۱، در کتاب، زنان نویسنده بوم‌گرا: نظریه شاعرانه زیست‌محیطی ویرجینیا وولف، ژانت وینترسون^۲، علی اسمیت^۳ (۲۰۱۳) نشان می‌دهد که چگونه برخی از نویسندگان زن مانند ویرجینیا وولف، ژانت وینترسون (۱۹۵۹) و علی اسمیت (۱۹۶۲) در آثار خود از گفتمان بوم‌شناختی بهره می‌برند تا محیطی، که در آن شخصیت‌ها به طبیعت نزدیک‌تر هستند، ایجاد کنند. در این زمینه، کوستکوسکا معتقد است که وولف علاقه‌ای آشکار به محیط زیست دارد و با توجه به آثارش، یک فعال محیط زیست محسوب می‌شود. به گفته وی، وولف بر این باور است که: «پیاده‌روی در بیرون به‌ویژه در محیط طبیعی، تفکر خلاق و تحلیلی او را تقویت می‌کند» (۱۵-۱۶). در واقع، وولف توجه ویژه‌ای به محیط طبیعی اطراف خود دارد، زیرا استعداد، پتانسیل ادبی، خلاقیت و نبوغ وی را تقویت می‌کند.

مقاله «نوشته‌های بوم‌شناختی ویرجینیا وولف در رمان‌هایش» (۲۰۱۷)، «دیدگاه بوم‌شناختی وولف را در خلق آثار ادبی» نشان می‌دهد تا «تفکر بوم‌شناختی قوی» وی را بیان کند (دینگ^۴ و همکاران ۱). این مقاله به دغدغه‌های زیست‌محیطی وولف در آثارش از جمله به‌سوی فانوس دریایی، موج‌ها، اورلاندو و «باغ‌های کیو» اشاره می‌کند تا وی طبیعت و اجزایش را در آثارش برای «تمرکززدایی از موقعیت انسان در جهان هستی» قرار دهد (۲). این مقاله ضمن به‌چالش کشیدن انسان‌محوری، ارزش زیست‌محوری را برجسته می‌کند.

ناتالیا داویدکو^۵ در مقاله‌ای با عنوان «نمادگرایی در اورلاندو ویرجینیا وولف (ابزار تشخیصی اندیشه تلویحی)» (۲۰۱۹) به بررسی درخت بلوط در رمان اورلاندو می‌پردازد. وی درخت بلوط را نماد زندگی جاودانه فرض می‌کند که ریشه‌های عمیق این درخت کهنسال در داستان به بی‌نهایت می‌رسد. در واقع، نویسنده می‌پندارد که درخت، نماد فناپذیری است: «درخت نمی‌میرد، او زندگی‌اش را از نو می‌سازد و بنابراین، نماد ابدیت و جاودانگی است.» (۳۰). نویسنده مقاله، تمام قسمت‌های درخت بلوط را از دانه تا برگ و شاخه و شکوفه و ریشه را از دیدگاه نمادگرایی^۶ مورد تحلیل قرار می‌دهد.

1. Justyna Kostkowsk
2. Jeanette Winterson
3. Ali Smith
4. Ding
5. Natalya Davidko
6. symbolism

در پژوهشی با عنوان «اوضاع جوی اورلاندو: وولف، برایدوتی^۱ و عصر انسان‌محوری» (۲۰۲۲)، پیتر آدکینز^۲ به تحلیل رمان اورلاندو از نظر وضعیت آب‌وهوا و رابطه آن با موضوع انسان‌محوری پرداخته است. این مقاله با تأکید بر اوضاع جوی انگلستان از قرن پانزده تا بیستم، رمان اورلاندو را تلاش وولف برای توصیف تغییرات شدید جوی انگلستان که به‌دست بشر صورت گرفته، می‌داند: «در اورلاندو توصیف وولف از شرایط آب‌وهوا، نشان‌دهنده ارتباط بین [...] مسئولیت اجتماعی و سیاسی است.» (۲۵۵). درواقع، تغییرات آب‌وهوای انگلستان در دوران ذکرشده در اورلاندو بر اساس شرایط سیاسی و اجتماعی که به‌دست بشر رقم خورده، بوده است. در یک نگاه کلی، تحقیقات ذکرشده درباره‌ی رمان اورلاندو درباره نگرانی و البته علاقه وافر وولف به طبیعت و آگاهی بوم‌شناسی وی و همچنین نكوهش انسان‌محوری هستند؛ اما هیچ‌کدام از دیدگاه فلسفی برابری‌طلبی و اکوسوفی در نفی انسان‌محوری، به نقد و چالش کشیده نشده است. از این‌رو، پژوهش حاضر به دیدگاه جدیدی از شاخه نقد بوم‌گرایی روی آورده و سعی دارد تا جنبه‌های جدیدی از دیدگاه نقد بوم‌گرایی درباره رمان اورلاندو را عرضه کند.

مبانی نظری پژوهش: فلسفه‌ی برابری‌طلبی و اکوسوفی

نقد بوم‌گرا که به‌عنوان نقد زیست‌محیطی و نقد سبز^۳ (به‌ویژه در بریتانیا) نیز شناخته می‌شود، رشته‌ای است که در مطالعات ادبی به‌سرعت پدیدار شد و هدف آن برقراری آشتی بین انسان‌ها و طبیعت است. درواقع، نحوه ارتباط انسان با محیط زیست خود، هسته اصلی نقد بوم‌گراست. منتقدان نقد بوم‌گرا عمدتاً بر طبیعت و جهان طبیعی تمرکز می‌کنند که با متون ادبی نقد و ترسیم می‌شوند. نگرانی‌های زیست‌محیطی از طریق پاسخ‌های ادبی به مشکلات زیست‌محیطی نیز مطرح شده است. به‌عنوان مثال، برخی از این مشکلات زیست‌محیطی از قبیل جنگل‌زدایی^۴، آلودگی هوا، گونه‌های در خطر انقراض^۵ و انسان‌محوری، قرن‌هاست به‌عنوان مفاهیم قابل بحث و مناقشه‌ای در ادبیات غرب مطرح شده‌اند.

1. Braidotti
2. Peter Adkins
3. Green Criticism
4. Deforestation
5. Extinction

آرنه نایس فیلسوف، فعال محیط زیست نروژی و مدافع روش‌های مبارزه صلح‌جویانه‌ی نابرابری‌ ماهاتما گاندی^۱ (۱۸۹۳-۱۹۴۲) است. وی خود را فیلسوف نمی‌داند و تنها در مقام معلمی می‌بیند که دانش‌آموزان را تشویق می‌کند تا «اکوسوفی» را تا حد امکان درک کنند. در واقع، وی خواهان آگاه‌سازی مردم است تا به محیط طبیعی که در آن زندگی می‌کنند، اهمیت دهند. تعامل انسان و زمین باید به‌نحو بهتری اصلاح شود؛ زیرا سبک زندگی انسان بر مبنای احترام متقابل به طبیعت و کره زمین است. با استمداد برابری‌گرایی در کره هستی، انسان‌ها باید به همه موجودات زنده احترام بگذارند و به‌جای انسان، انسانیت بر محیط تسلط پیدا کند. برابری‌خواهانی مانند نایس معتقدند که دیدگاه غیرانسان‌محوری را باید با باور برابری‌طلبانه شناخت. بر اساس نظریات نایس، هر موجود زنده‌ای از نظر وجود و حیات، ارزشمند است. نایس از برابری‌گرایی به‌مثابه «مفهوم حقوق طبیعی» یاد می‌کند که درک زمین را به‌شیوه‌ای برابری‌طلبانه، محترمانه نشان می‌دهد. بدیهی است که نابرابری ناعادلانه است و نتیجه چنین تمایزات ناعادلانه‌ای، واقعا فاجعه‌بار است. در نتیجه، ارزش برابری‌خواهانه از این جهت شایان توجه است که ارزش حالت‌های برابر در میان همه موجودات زنده بر مبنای مفهوم ارزش ذاتی، حائز اهمیت است. نایس و سایر نظریه‌پردازان برابری‌خواه، برابری را به این دلیل ارج می‌نهند که با سایر ارزش‌های اخلاقی، عدم خشونت، انسانیت و خودآگاهی در ارتباط است. برابری‌خواهان در پی ایجاد جامعه‌ای برابری‌طلب هستند که در آن سطح سلسله‌مراتبی از بین رفته باشد.

بنابراین، فلسفه نایس مبتنی بر روابط متقابل انسان و طبیعت به‌لحاظ افزایش خرد و آگاهی بوم‌شناسی است. نایس «اکوسوفی» را چنین تعریف می‌کند: «ترکیبی از اکو^۲ و سوفیا^۳ یا همان حکمت است...». [بنابراین اکوسوفی تبدیل به یک جهان‌بینی یا سیستم فلسفی می‌شود که از شرایط زندگی تمامی موجودات در جهان هستی الهام گرفته شده است.]. (بوم‌شناسی حکمت ۳۸). وی معتقد است که از دیدگاه فلسفی، نظم برای ایجاد ارتباط متقابل بین انسان و طبیعت ضروری است. نایس فرض می‌کند که خودآگاهی با خرد بوم‌شناسی مرتبط است؛ سپس خرد بوم‌شناسی یا بوم‌گرایی به اکوسوفی منجر می‌شود. وی در این رابطه متذکر می‌شود: «از طریق متون ادبی، راه‌های جالبی برای

1. Mahatma Gandhi
2. Eco
3. Sophia

گفتار پیدا می‌کنیم که بیانگر این است که ما انسان‌ها با جامعه‌مان واقعیت را می‌سازیم. از عباراتی مانند ابراز واقعیت در یک جامعه به صورت آشکار پرهیز شود، زیرا گاهی پیشنهاد می‌شود که ما با متون و روایت‌های خود درباره آنچه واقعی است، به حقیقت پی می‌بریم و بدین‌ترتیب، واقعیت کشف و درک می‌شود» (بوم‌شناسی حکمت ۱۹۳). نایس به وابستگی به متون، به‌ویژه ادبیات، به دلیل قدرت ارتباط جمعی‌اش در مفهوم‌سازی واقعیت، اعتقاد دارد. واقعیت، نابودی طبیعت، اکوسیستم^۱ و کره زمین است. بدیهی است که نایس در زمینه قیاس‌گرایی، که در آن دو مقدمه با استفاده از منطق قیاس به یکدیگر مرتبط هستند، به دیدگاه ارسطو^۲ فیلسوف یونان باستان روی می‌آورد. در واقع، وی بر این باور است که توجیه و توصیف یک هنجار، برگرفته از هنجار و نظر دیگری است که همان نظریه قیاس منطقی^۳ نامیده می‌شود.

مبحث انسان‌محوری، دستاویزی است برای انسان که حاکمیت خود را در مقابل سایر موجودات زنده روی کره زمین، اثبات می‌کند. آرنه نایس معتقد است که انسان‌محوری، مانند غل و زنجیر بر دست و پای انسان بسته شده و او را از داشتن زندگی باکیفیت محروم می‌کند؛ زیرا زمانی که انسان با حربه انسان‌محوری دست به نابودی سایر موجودات زنده و حتی گیاهان می‌زند، در واقع کمر به نابودی خود بسته است. در این مورد نایس می‌گوید: «انسان‌محوری برای انسان‌ها به‌مثابه محدودیتی است که اثرات مخرب و زیان‌آوری بر کیفیت زندگی آن‌ها دارد.» (مطالعه کوتاهی در جریان‌ات سطحی و عمیق بوم‌شناسی) «۱۸». در انسان‌محوری هیچ‌گونه برابری‌طلبی و آگاهی بوم‌شناسی دیده نمی‌شود و کاملاً جدا از هر مساوات و برابری است. درحقیقت، انسانی که تصور می‌کند با نادیده‌گرفتن تمامی موجودات زنده به استقلال رسیده، «به انزوا و حس بیگانگی از خود رسیده است.» (۱۸).

برابری‌طلبی و اکوسوفی با روایت‌های زیست‌محیطی در اورلاندو

جان کاتینگهام^۴ (۱۹۴۳-) فیلسوف اهل انگلستان، عقاید آلدو لئوپولد (۱۹۴۸-۱۸۸۷) فیلسوف و طبیعت‌شناس آمریکایی را این‌گونه تفسیر می‌کند: «تغییر بنیادی در دیدگاه

1. Ecosystem

2. Aristotle

3. Syllogism

4. John Cottingham

اخلاقی ما [..]. پیدایش ارتباط موزون با محیط زیست» را به ارمغان آورد (۵۸۵). این دیدگاه نگاهی برابری طلبانه درباره طبیعت و اکوسیستم‌ها برای انسان‌ها فراهم می‌کند تا برابری را در تعریف حقوق همه انسان‌ها و غیرانسان‌ها رعایت کنند. در *اورلاندو*، وولف «مقام برابری زیست‌محوری را فرامی‌خواند» (دوال^۱ و سشنز^۲ ۸۷). جنسیت اورلاندو پس از سفر به ترکیه و اقامت در آنجا، تغییر می‌کند و پس از مدتی که می‌خواهد، خود را دختر می‌یابد. وی تصمیم می‌گیرد از قسطنطنیه فرار کند و در کمال تعجب خود را در میان گروهی از کولی‌ها می‌بیند. کولی‌ها در طبیعت زندگی می‌کنند و ابتدا اورلاندو از اقامت با آن‌ها راضی است: «آن‌ها متوجه شدند اورلاندو اغلب ساعت‌ها می‌نشیند، کاری انجام نمی‌دهد و فقط به اینجا و آنجا نگاه کند. گاه او را روی تپه‌ها می‌یافتند درحالی که به روبه‌رو خیره شده بود، [..]. بیماری انگلیسی، عشق به طبیعت، بیماری مادرزادی او بود و در اینجا که طبیعت گسترده‌تر و قدرتمندتر از انگلستان بود، به‌صورتی بی‌سابقه در چنگ آن اسیر شد» (Orlando ۱۳۸). وولف تصویری خاص و بی‌نظیر از طبیعت ایجاد می‌کند. به عبارت دیگر، وی طبیعت را مکانی مناسب برای زیست و ادامه حیات کولی‌ها می‌داند و بی‌توجه به سرزمین مادری خویش، یعنی بریتانیا، با تمام وجودش صدای طبیعت را می‌شنود و از فضای بکر باشکوه آن نهایت لذت را می‌برد. وولف، با خلق اورلاندو در میان کولی‌ها، اعلام می‌کند که طبیعت در هر مکانی، چه در غرب و چه شرق، باشکوه و شگفت‌انگیز است.

درحقیقت وولف می‌کوشد برابری را ابتدا در طبیعت پایه‌گذاری کند. این‌که طبیعت در شرق و غرب، زیبا و بی‌بدیل می‌باشد، وفاداری وولف را به فلسفه‌ی برابری‌طلبی نشان می‌دهد. وی با روایت زیست‌محیطی و با احترام به فرهنگ برابری‌طلبی، طبیعت بکر را به‌تصویر می‌کشد. همان‌طور که نایس تفسیر می‌کند: «خداوند همه را به یک اندازه خیر و برکت می‌دهد.» (بوم‌شناسی، اجتماع و روش زندگی ۱۸۴). نایس به برابری همه موجودات زنده و این‌که خداوند فرهنگ مساوات‌طلبی را به جهان عنایت می‌کند، اشاره می‌کند؛ یعنی هیچ موجود زنده‌ای بر دیگری برتری ندارد و انسان‌ها نیز از این قضیه مستثنی نیستند. در *اورلاندو*، وولف چشم‌انداز زیبایی کولی‌هایی را که در طبیعت بکر زندگی می‌کنند، برجسته می‌سازد.

اگرچه وولف تمایلی بریتانیایی به طبیعت دارد، اما در *اورلاندو*، طبیعت شگفت‌انگیز

1. Devall

2. Sessions

و نفس‌گیری را خلق می‌کند که برای اورلاندو بسیار آرامش‌بخش است. گویی که عقیده برابری‌طلبانه وی درباره ماهیت کولی‌ها، متضمن نوعی تفکر زیست‌محوری است که به‌نقل از لیسسی گورالنیک^۱ و مایکل پل نلسون^۲ «برابری‌طلبی پویای رادیکال تعریف می‌شود» (۱۵۱). وولف، در جایگاه زنی تساوی‌خواه با استفاده از روایت زیست‌محیطی، تلاش می‌کند تا نگرش مردم درباره طبیعت و اهمیت به آن، بی‌توجه به موقعیت جغرافیایی را تغییر دهد. وولف از سبک ادبی اورلاندو در قالب زندگی‌نامه و گفت‌وگو برای دستیابی به حقیقت حمایت می‌کند. وی به‌مثابه یک زندگی‌نامه‌نویس «درگیر کشف حقیقت است» تا روشنی «حقیقت و واقعیت ما را از طریق ادبیات» توصیف کند (تریارد^۳ ۷۰ - ۲۶۹). در باب حقیقت، وولف ادعا می‌کند، «هیچ‌کس با قاطعیت نمی‌نویسد، مگر اینکه به‌نوعی به حقیقت دست یابد» (مقاله‌های وولف ۳۲۹). حقیقت از دیدگاه وولف، نوعی آگاهی است که از طریق اکوسوفی حاصل می‌شود. ناگفته نماند که وولف خود به این سطح از آگاهی رسیده:

«اورلاندو آگیری بر قلعه‌ی کوه یافت و تقریباً خود را در آن انداخت تا به جست‌وجوی خردی برآید که تصور می‌کرد در آن نهفته است. هنگامی که از قلعه‌ی کوه به دوردست، به آن سوی دریای مرمره [...] و سپس به پایین نگرست، سنبل‌ها و زنبق‌های ارغوانی او را واداشتند تا در اوج لذت نیکی و زیبایی طبیعت، فریاد برآورد» (Orlando) 39-138.

وولف به‌وضوح بیان می‌کند که به آن خرد بوم‌شناسی رسیده است. به‌عنوان مثال، اورلاندو زمانی که به طبیعت می‌نگرد، صرفاً نگاه نمی‌کند، بلکه با چشم دل باور دارد که انسان جزئی از طبیعت است و در این منظره‌ی باشکوه و نفس‌گیر و البته پهناور، چگونه می‌تواند خود را برتر و والاتر بداند. جرج سشنز و آرنه نایس درحالی که در دره مرگ^۴، دره‌ای بیابانی واقع در کالیفرنیا، شرقی کمپ زده بودند، اصول بوم‌گرایی ژرف را بیان کردند که شامل تمامی گونه‌ها از جمله انسان، است.

از دیدگاه نایس، بوم‌گرایی ژرف یعنی «حفظ تنوع گونه‌های زیستی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز که منجر به قائل‌شدن حق زندگی برای همه موجودات زنده است.»

1. Lissy Goralnik
2. Michael Paul Nelson
3. Thirriard
4. Death Valley

«مطالعه کوتاهی در جریان‌های سطحی و عمیق بوم‌شناسی» (۱۹). محافظت از زمین با همه‌ی ساکنانش، هدف برجسته بوم‌گرایی ژرف و فلسفه‌ی برابری‌طلبی است. نایس، به‌وضوح، هدف بوم‌گرایی ژرف را انگیزه‌ای برای برقراری صلح و آرامش می‌داند و در این باره می‌گوید: «هدف نهضت بوم‌گرایی ژرف قاطعانه، برقراری صلح و آرامش است.» (بوم‌شناسی حکمت ۱۰۰). منظور وی از صلح و آرامش، همانا احترام به طبیعت و تنوع زیستی در هر منطقه است. بدین‌وسیله، این خود راهی برای جلوگیری از خشونت و خونریزی است که در نهایت، به برابری‌طلبی و سپس، آرامش ختم می‌شود. سهراب طاووسی و شهره چاوشیان اعتقاد دارند که دیدگاه بوم‌گرایی ژرف برای تمام جانداران از جانداران میکروسکوپی تا غول‌پیکرترین آن‌ها، احترام قائل است و آن‌ها از «ارزش فی‌نفسه و ذاتی برخوردارند؛ صرف‌نظر از این که در خدمت خواسته‌های انسان باشند یا نباشند» (۱۱۹). تمامی جانداران از هر گونه، خواه سودی برای انسان داشته یا حتی نداشته باشند، قابل احترام هستند.

بنابراین، در ابتدا عشق به طبیعت با تمامی اجزای آن چه جاندار و چه بی‌جان، هدف فلسفه‌ی برابری‌طلبی است که جز با احترام به حق طبیعی تمامی موجودات و حتی تمامی اجزای طبیعت، میسر نمی‌شود. وولف با توصیف زیبای طبیعت، در جست‌وجوی بیدارسازی برای مشاهده و درک صحیح طبیعت و محیط زیست است. مصداق این معنا در *اورلاندو مشهود* است:

«گل‌های یخ، زعفران، سنبل، ماگنولیا، رز، مینا و کوکب در همه‌ی گونه‌هایشان کاشته شد، درخت‌های سیب، توت و شاتوت به‌همراه بوته‌های بی‌شمار گل‌های نایاب و درخت‌های همیشه‌سبز، چنان درهم رسته بودند که ریشه‌های هر یک روی دیگری بود و ذره‌ای خاک را نمی‌دید که شکوفا نشده باشد» (*Orlando* 107).

این توصیف شگفت‌انگیز گل‌ها، حاکی از عشق سرشار وولف به طبیعت در پی آگاهی‌بخشی به جامعه است. شاید گل‌های اشاره‌شده هر روز دیده شوند، اما مورد توجه کافی قرار نمی‌گیرند و حتی گاهی افراد ناآگاهانه یا آگاهانه، دست به تخریب آن‌ها می‌زنند.

درواقع، گویی وولف در پی احیای اکوسوفی است که همانا توجه خوانندگان خود

را به مسئولیت خطیر زیست‌محیطی جلب کند که به‌واسطه اکوسوفی، وضعیت عدم شناخت بوم‌شناسی و اکوسیستم تغییر کرده: «اُرلاندو پرندگانی وحشی و رنگارنگ و دو خرس از مالزی آورد که یقین داشت در پشت تندخویی آن‌ها، قلبی قابل‌اعتماد نهفته بود» (107 *Orlando*). اکوسوفی برای مبارزه با انسان‌محوری مطرح شده؛ اصطلاحی که نشان می‌دهد انسان‌ها باعث نابودی جهانی با تنوع زیستی شده‌اند که وولف در رمان خود به گونه حیوانی و گیاهی، بسیار زیرکانه اشاره و این تنوع زیستی را به مخاطبان خود یادآوری می‌کند. وولف با روایات زیست‌محیطی، حقیقتی ناب را درباره طبیعت و محیط زیست بیان می‌کند. دانش‌روایتی^۱ که توسط اسکات اسلوویک^۲ (۱۹۶۰-) ابداع شد، نوعی روایت است که می‌پرسد «در زندگی‌ام از کجا آمده‌ام، این چیزی است که به آن می‌اندیشم، این چیزی است که نگرانش هستم و اجازه دهید از طریق ارتباط شخصی به شما دست یابم.» (رومر^۳ ۷۵). این نوع روایت، ارتباطی مستقیم با قصد نویسنده در افشای تخلیات درونی‌اش دارد.

چالش انسان‌محوری در روایت

اورلاندو بیانگر تلاش وولف در نگارش متنی است که «جوهر واقعیتی» را به‌تصویر می‌کشد که فراتر از طیف گسترده روایت است (*Diary* جلد دوم ۱۱۳). این رمان، ماهیت واقعی زندگی را با نگاهی روایی بیان می‌کند. وولف در اورلاندو، فرهنگ انسان‌محوری را با خلق روایت تلخ انسان‌محوری به‌چالش می‌کشد. درحقیقت، روایت انسان‌محور، به بیان ارن جیمز^۴ «روابط پویا بین انسان‌ها و هم‌تایان غیرانسانی آن‌ها را مورد تأکید قرار می‌دهد.» (۳۲). ویژگی‌های روایت‌شناختی شامل سه عنصر زمان، حالت و صدا (گفت‌وگو و کانون‌سازی) هستند که در اورلاندو نیز برجسته شده‌اند: «گرچه بیش از آن مودب بود که بخواهد فاش بگوید، می‌اندیشید بربریتی بیش از آن متصور نیست که کسی به داشتن صداها اتاق خواب بیابد (در این هنگام آن‌ها روی تپه ایستاده بودند: شب بود، کوه‌ها اطرافشان را احاطه کرده بودند) وقتی که تمامی زمین از آن ماست.» (*Orlando*)

۱. Narrative Scholarship نوعی روایت است که نشان می‌دهد چگونه نویسنده سعی در خلق دوباره محیط زیست و دنیای پیرامون خود دارد.

2. Scott Slovic

3. Romero

4. *The Diary of Virginia Woolf*

5. Erin James

143)، کولی‌هایی که از دل طبیعت برمی‌خیزند و بی‌هیچ محدودیتی تمام زندگی خویش را وقف آن می‌کنند، زمین‌ها را دارایی‌ها و متعلقات خود می‌نامند. با این وجود، اجداد اورلاندو با ساخت خانه‌های زیادی در این زمین‌ها، دخالت و تسلط خود را نشان دادند؛ اما کولی‌ها تمایل دارند مانع تخریب زمین‌ها و طبیعت توسط این مردان و جاه‌طلبی آن‌ها برای ساخت ویلاها و خانه‌های مجلل شوند: «اورلاندو وقتی از دید کولیان به موضوع نگاه می‌کرد، می‌فهمید که دوک چیزی نبود، جز فردی سودجو و دزد که زمین و پول را از مردمی می‌ربود که این چیزها را حقیر می‌دانستند و نمی‌توانست فکر بهتری داشته باشد؛ جز آن که سیصدوشصت و پنج اتاق خواب بسازد، وقتی یکی کافی بود و هیچ‌کدام بهتر از همان یکی نبود» (Orlando 143). اورلاندو از جاه‌طلبی‌های جد خود آگاه است که چطور سرزمین‌ها را در دست می‌گیرند و پادشاهی خویش را در آن‌ها مستقر می‌کنند. در روایت انسان‌محور، وولف نشان می‌دهد که نشانه‌ای از اکوسوفی یا همان آگاهی بوم‌شناسی دیده نمی‌شود و انسان‌ها نباید زمین و طبیعت را تنها برای ارضای خواسته‌های خود، تخریب کنند.

وولف با پرداختن به اجداد اورلاندو درباره اشغال سرزمین‌های بکر و تصویرسازی موقعیت ذهنی آن‌ها، از روایت انسان‌محور در اورلاندو بهره می‌برد. این نوع روایت، مبتنی بر موقعیت ذهنی انسان‌ها به عنوان عاملی کمک‌رسان به فرهنگ انسان‌محور است که زندگی انسان‌ها را بدون توجه به طبیعت و جهان هستی، هرچند سطحی شادتر می‌کند. همان کاری که اجداد اورلاندو برای شادی خود انجام دادند. پیمان بهاروند و بختیار سجادی، بر این عقیده‌اند که انسان‌ها با تکیه بر مفهوم برتری انسان بر طبیعت، به منفعت‌طلبی خویش در طبیعت ادامه می‌دهند: «درحقیقت، رویکردهای متفاوت اروپایی‌ها و بومیان آمریکایی در مقابل محیط پیرامونشان را می‌توان به ترتیب مصادیق بارز انسان‌مداری و زیست‌مداری دانست.» (۲۵). بنابراین، همواره دو مفهوم انسان‌محوری و زیست‌محوری در تقابل و تضاد بوده، هست و خواهد بود.

نایس، در کتاب *بوم‌شناسی، اجتماع و روش زندگی*، اشاره می‌کند که: «واکنش منفی فزاینده نسبت به افزایش جمعیت بشری، ایجاد خصومت نسبت به انسان نیست. برعکس، گویی وجود انسان طبیعت آزاد را می‌طلبد و نیاز دارد. «همنوع‌محوری» و «انسان‌محوری»، [...]، اغلب به شیوه‌ای تحقیرآمیز استفاده شده‌اند.» (۱۴۱). نایس تأیید

1. Homocentrism

می‌کند که با افزایش سریع جمعیت، بی‌تردب انسان نیاز به فضای بیشتری دارد. بنابراین «رشد سریع جمعیت انسانی، پیشرفت غیراخلاقی تکنولوژی و مصرف بی‌رویه غذا، آب، انرژی و مواد باعث شده [...] که سیاره زمین از نظر بوم‌شناسی، به سمت نابودی و صف‌ناپذیری پیش رود.» (کرسیت^۱ ۲۰۱). انسان برای بنای خانه و تضمین بقای خود، خانه و زیستگاه سایر جانداران را تخریب می‌کند. البته این جنگ علنی با طبیعت، برای او همواره تاوان سنگینی داشته است. همچنین، بهمن زرین‌جویی می‌گوید: به‌دام انداختن ببر بنگالی و نبرد آن با انسان‌ها، یادآور این است: «ببر را می‌توان به‌مثابه نشانه‌ای از قدرت طبیعت در نظر گرفت که برای انتقام از انسانی که دست به تخریب طبیعت زده، وارد صحنه می‌شود و بی‌رحمانه انسان‌ها را از پای درمی‌آورد.» (۱۲۳). قدرتی که به ببر داده شده، تمثیلی از قدرت طبیعت است که انسان با سوءاستفاده و بهره‌کشی از آن، نه تنها طبیعت را تخریب می‌کند، بلکه دست به نابودی خود نیز می‌زند؛ زیرا ارتباط بین انسان و طبیعت، دوطرفه است.

انسان‌ها همواره در پی احیای نیازها و حاجت‌های خویش هستند و با نگاه بزرگ‌بینی، زمین را ناچیز و نادیده می‌گیرند. بنابراین، بهره‌برداری از زمین بر مبنای دیدگاه انسان‌محوری و تسلط انسان انجام می‌شود. در واقع، هم‌نوع‌محوری در خدمت انسان‌محوری است که تنها به یک گونه یعنی انسان اشاره دارد. وولف در *اورلاندو* به‌دنبال راهی است که از طبیعت غافل نشود. وی برای بهره‌برداری انسان از زمین‌ها و منابع طبیعی، نگران است. در این‌باره، دیانوش صانعی و جلال سخنور بیان می‌کنند: «دنیای امروز، از نظر فجایع زیست‌محیطی، تخریب منابع طبیعی و تغییرات آب‌وهوایی، وضعیتی بحرانی دارد.» (۲۱۰). بهره‌کشی از منابع طبیعی و تخریب طبیعت، وضعیت نگران‌کننده‌ای به‌وجود می‌آورد که منجر به نابودی خود بشریت به‌وسیله انسان‌محوری می‌شود. همچنین، دوال و سشنز، در کتاب *بوم‌گرایی ژرف*^۲، بر نقش انسان در تسلط بر طبیعت و فرهنگ، به‌مثابه ابزاری تغییردهنده برای انسان‌ها در پیگیری کامل نیازهای خود تاکید می‌کنند «انسان‌ها به تسلط بر طبیعت ادامه خواهند داد، زیرا برتر هستند، برتر از بقیه طبیعت هستند؛ زیرا انسان‌ها علاوه بر وراثت ژنتیکی خود دارای نوعی میراث فرهنگی و متمایز از آن هستند.» (۴۳). به‌عبارتی، فرهنگ ابتدایی‌ترین و عالی‌ترین تصور در تعدیل دیدگاه انسان برای ایستادگی در راس جهان نسبت به موقعیت انسان بر روی

1. Crist

2. *Deep Ecology*

زمین است. با استمداد از فرهنگ، انسان به جایگاه خداگونه دست می‌یابد. وولف در توصیف خانه مجل اورلاندو بیان می‌کند که چگونه درختان بلوط با آشیانه‌ی پرندگان صرفاً برای گرم کردن محل زندگی او، طعمه انسان می‌شوند: «میزهایی طولیل قرار داشت، پر از ظروف نقره و طلا و بخاری‌های بزرگی از مرمر خشک ایتالیا که هر شب یک درخت بلوط با میلیون‌ها برگ و آشیانه‌ی کلاغان و چکاوکان در آن می‌سوخت و به خاکستر بدل می‌شد.» (Orlando 83). در اینجا وولف به تخریب زیستگاه طبیعی پرندگان اشاره می‌کند. زمانی که درختان می‌سوزند، در واقع پرندگان هم در آتش سوخته و خاکستر می‌شوند و این خود مصداق بارز انسان‌محوری است؛ انسانی که برای مقاصد خود که همانا گرم‌شدن در هوای سرد است، دست به تخریب طبیعت می‌زند. در جای دیگری در رمان، وولف اشاره مستقیم به موضوع انسان‌محوری دارد و درحقیقت این موضوع را به‌چالش می‌کشد، زیرا او پایبند فلسفه برابری‌طلبی مبتنی بر آگاهی بوم‌شناسی است: «نیمکت‌ها روی آرواره‌ی شیران و گردن قوها قرار داشتند و رختخواب‌ها از بهترین پره‌های قو بود. به‌تنهایی کامل نبودند و باید انسان‌ها بر آن‌ها می‌نشستند؛ انسان‌ها در آن‌ها می‌خوابیدند تا وجود خود را اثبات کنند.» (Orlando 108). وولف با نام‌بردن از حیواناتی مانند شیر و قو که برای تزئین منزل به‌کار رفته‌اند، درصدد آشکار سازی تلاش بی‌وقفه انسان برای اثبات برتری خود نسبت به سایر جانداران است. زمانی که وولف بیان می‌کند که انسان سر بر بالینی می‌گذارد که با پره‌های قو پر شده، درحقیقت محوریت انسانی را نشان می‌دهد که دست به تخریب طبیعت و ساکنان آن می‌زند و برای آرامش و آسایش خود از هیچ تلاشی، حتی کندن پره‌های زیبای قو، دریغ نمی‌کند.

ناثومی پرزاً بر این باور است که وولف در اورلاندو به انقلاب صنعتی در نیمه دوم قرن هجدهم در بریتانیا، اشاره می‌کند: "ولف آشکارا بیان می‌کند که صنعتی‌شدن در انگلستان تمامی جنبه‌های زندگی، از نمای بیرونی ساختمان‌ها گرفته تا تزئین داخلی منازل، تا ارتباط انسان‌ها را تحت‌تاثیر قرار داده است." (۱۲۹). کلام آخر این‌که صنعتی‌شدن زندگی، در خدمت انسان‌محوری بوده و همان‌طور که وولف به نوع تزئین منزل مجل اورلاندو اشاره می‌کند، در واقع تخریب طبیعت و کشتن حیوانات، برای ارضای لذت‌گرایی انسان را زیر سوال می‌برد. بنابراین، چه اشغال زمین‌های بکر طبیعت و بناکردن خانه‌های

مجلد در آن و چه تخریب زیستگاه‌های حیوانات مانند کندن و سوزاندن درختان، ناشی از صنعتی‌شدن و انسان‌محوری است که در تضاد شدید با فلسفه‌ی برابری‌طلبی است.

نتیجه‌گیری

شخصیت داستانی وولف «اورلاندو» نمادی از نقد فرهنگ انسان‌محوری با روایت‌های زیست‌محیطی به‌منظور اعتلای اکوسوفی و تبیین فلسفه برابری‌طلبی است. وولف در اورلاندو تاکید می‌کند که گفتمان داستانی نوین بر موضوعات گوناگونی از جمله کره زمین و زیبایی آن، حفظ طبیعت و محیط زیست استوار است. وی تلاش می‌کند تا حقیقتی را در داستان اورلاندو روایت کند که انسان‌ها از دیرباز با آن روبه‌رو بوده‌اند، اما آن را به‌سادگی کشف نکرده‌اند. این حقیقت، همان خرد بوم‌شناسی یا اکوسوفی است که برای درک فلسفه‌ی برابری‌طلبی، ضروری است. وولف بر تغییری که باید در آگاهی جمعی رخ دهد، تمرکز می‌کند. این تغییر در آگاهی جمعی درباره نگرش برابری‌طلبانه، جهان یا زمین را خشنود می‌کند و زندگی بدون خشونت را به‌آسانی در دسترس قرار می‌دهد. از این نظر، لذت و رضایت متقابل میان همه گونه‌های زنده با نگرش برابری‌خواهانه، امکان‌پذیر می‌شود. وولف نگرانی‌های انسان‌محور در رمان را به‌چالش می‌کشد که چگونه انسان‌ها به زیستگاه سایر موجودات اهمیت نمی‌دهند و صرفاً نگران حیات خودشان هستند.

Environmental Narratives: Egalitarian Philosophy and Ecosophy in Denying Anthropocentrism in Virginia Woolf's *Orlando*

Ziba Roshanzamir¹, Leila Baradaran Jamili², Bahman Zarrinjooee³

Abstract

Introduction: *This research aims to analyze Virginia Woolf's (1882-1942) Orlando: A Biography (1928) based on environmental narrative, egalitarian philosophy, and ecosophy to criticize anthropocentrism. The theoretical framework is mainly based on Arne Naess's philosophies of egalitarianism and ecosophy which show how Woolf, through environmental narratives, clarifies the significance of nature and environment. Naess believes that a systematic discipline regarding philosophical views is essential to develop interconnectedness between humans and nature or ecological systems. He assumes that self-realization is linked with ecological awareness, and then knowing ecology or ecologism leads to ecosophy. In the novel, Orlando, as the main character, reaches a kind of ecological self-recognition and egalitarian tendency. When she is among gypsies, she is drawn to the eye-catching beauty of nature and she knows how humans can be attached to nature without paying attention to their anthropocentric interest. The article finally indicates how all living beings, including humans, are respectful and humans are not unique species and must not spoil lands and nature to satisfy their desires.*

Background of the Study: *This study focuses on Orlando: A Biography and is framed to investigate the novel by illustrating the environmental narrative through egalitarian philosophy and ecosophy. It also demonstrates how humans seek the value of life, and their happiness and satisfaction. Virginia Woolf, a British novelist, in Orlando, ponders the various effects of time, from the fifteenth century to the turn of the nineteenth century, on nature and the environment. Woolf's fictional character is subjectively a symbol of highlighting the egalitarian culture via environmental nar-*

1. Ph.D. candidate. English Language and Literature Department. IAU. Broojerd Branch.

Broojerd- Iran.

2. Assistant Professor of English Language and Literature. IAU. Broojerd Branch. Broojers- Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor of English Language and Literature. IAU. Broojerd Branch. Broojers- Iran.

ratives. Woolf has utilized the natural world to portray the significance of the trouble created by humans. Therefore, she puts a lot of stress on nature, the environment, and non-humans in her works. She can be regarded as a philosopher who has developed an egalitarian culture designating respect for all living beings and she struggles to show the interaction between humans and the earth that should be modified in a better way.

Methodology: *The present study applies the egalitarian philosophy and ecosophy which are categorized in the ecocriticism theory. Ecocriticism is an interdisciplinary study that concentrates on common grounds, relationships, and affiliations between two different fields of study: ecology and literature. Arne Naess who is an eco-philosopher and ecocritic by turning to ecocriticism announces that the relationships between humans and nature can be possible by increasing ecological wisdom and awareness. Naess relies on biospherical egalitarianism which is to consider the environment as an entity that has its right to be safe. He believes that the rights of the environment are as important as human rights. The species' equality is proposed by Naess. He concludes that all living beings must live on the planet Earth without spoiling one another's benefits and rights. As a result, this study illustrates how Naess as an ecocritic attempts to modify the interaction of humans, nature, and the environment.*

Conclusion: *Orlando is Woolf's attempt to reveal how nature and the environment have the same right to be kept alive. Woolf uses environmental narrative to show the right place of humans in nature. She criticizes anthropocentrism and challenges anthropocentric views through her narrative. She thinks that people need ecological awareness to reach an egalitarian perspective and not to hurt nature and the environment any longer.*

Keywords: *Anthropocentrism, Ecocriticism, Ecosophy, Environment, Environmental Narrative, Egalitarianism, Nature.*

References

- Adkins, Peter. "The Climate of *Orlando*: Woolf, Braidotti and the Anthropocene." *Comparative Critical Studies*, vol.19, no.2, 2022, pp. 237-257.
- Alt, Christina. *Virginia Woolf and the Study of Nature*. New York: Cambridge UP, 2010.
- Amanolahi Baharvand, Peyman and Seyd Bakhtiyar Sadjadi. "Anthropocentrism vs Biocentrism: The Treatment of the Natural World by Human Subjects in James A. Michener's Chesapeake." *Critical Language and Literary Studies*, vol. 10, no. 23, Autumn and Winter 2019, pp. 32-61.
- Cottingham, John (ed). "Our Relationship to Environments." *Western Philosophy: An Anthology*. 2nd Ed. Oxford: Blackwell Publishing, 1996, pp. 585-590.
- Crist, Eileen. "Animals." *The Cambridge Companion to Literature and the Anthropocene*. Edited by John Parham. Cambridge: Cambridge UP, 2021, pp.196-211.
- Davidko, Natalya. "Symbolism in Virginia Woolf's *Orlando* (Cognitive Tools of Figurative Thought)." *English Linguistics Research*, vol. 8, no.4, 2019, pp.27-37.
- Devall, Bill and George Sessions. *Deep Ecology*. Utah: Gibbs M. Smith, Inc., 1985.
- Ding, Wei et al. "Virginia Woolf's Ecological Writing in Her Novels." *English Language, literature & Culture*, 2017: 2(1), pp. 1-4.
- Goralnik, Lissy and Michael Paul Nelson. "Anthropocentrism." *Encyclopedia of Applied Ethics*. Edited by Ruth Chadwick. 2nd Edition, vol 1. San Diego: Academic Press, 2012, pp. 145-55.
- James, Erin. *The Storyworld Accord: Econarratology and Postcolonial Narratives*. Lincoln: University of Nebraskap, 2015. Print.
- Kostkowsk, Justyna. *Ecocriticism and Women Writers: Environmentalist Po-*

etics of Virginia Woolf, Jeanette Winterson, and Ali Smith. London: Palgrave Macmillan, 2013.

- Naess, Arne. "The Shallow and the Deep, Long-Range Ecology Movements: A Summary." *Philosophical Dialogues: Arne Naess and the Progress of Ecophilosophy*. Edited by Nina Witoszek and Andrew Brennan. Lanham: Rowman & Littlefield Publishers, 1999.
- Naess, Arne. *Ecology of Wisdom*. Edited by Alan Drengson and Bill Devall. Berkeley: Counterpoint, 2008.
- Naess, Arne. *Ecology, Community and Lifestyle: Outline of An Ecosophy*. Translated by David Rothenberg. Cambridge: Cambridge UP, 1989.
- Perez, Naomi. "Orlando in the Anthropocene: Climate Change and Changing Times." *The Anthropocene: Approaches and Contexts for Literature and the Humanities*. Edited by Seth T. Reno. New York: Routledge, 2022, pp.125-134.
- Romero, Diana. Villanueva. "Reflections on Literature and Environment: An interview with Scott Slovic." *Ecozon*, no. 12, 2010, pp. 67-86.
- Sanei, Dianooosh, and Jalal Sokhanvar. "Cultural-environmental Discourses in Margaret Atwood's *The Handmaid Tale*." *Critical Language and Literary Studies*, vol. 14, no. 19, Autumn and Winter 2017, pp. 209-31.
- Thirriard, Maryam. "Biographical Truth as Represented in Virginia Woolf's *Orlando: A Biography*." *Halopen Science*. Paris: Honoré Champion, 2020, pp. 265-7.
- Tavooosi, Sohrab, and Shohreh Chavoshian. "An Ecocritical Reading of Vladimir Nabokov's *Pinn*." *Critical Language and Literary Studies*, vol. 16, no. 23, Spring and Summer 2019, pp. 119-142.
- Woolf, Virginia. *Orlando*. Translated by Farzaneh Ghojloo. Tehran: Gathreh Publishing, 1385.
- Woolf, Virginia. *The Letters of Virginia Woolf, vol. 1: 1988-1912*. Edited by

Nigel Nicolson and Joanne Trautmann. New York: Harcourt Brace Jovanovich, 1975.

- Woolf, Virginia. *The Diary of Virginia Woolf*, vol. 2: 1920-1924. Edited by Anne Olivier Bell, Florida: Harcourt, 1978.
- Woolf, Virginia. *The Essays of Virginia Woolf: Volume Two 1912-1918*. Edited by Andrew McNeillie. London: Harcourt Brace Joveinovich, Publishers, 1987.
- Zarrinjooee, Bahman. "A Discourse of Other-Nature: An Ecocritic Post-colonial Study of Rare Beast Creatures in Amitav Ghosh's *Hungry Tide*." *Critical Language and Literary Studies*, vol. 14, no. 18, Spring and Summer 2017, pp. 103-32.